

Analysis of the position of Muslims in Denmark; from a legal minority to an "anti-Danish" phenomenon

Reza Rahmati*

Received: 2021/06/21

Accepted: 2021/11/25

The first encounter of Danish Vikings with Muslims dates back to a thousand years ago, but the first mass entry of Muslims to Denmark should be traced back to the 1960 as guest workers. After that, the second and third waves of Muslims entered the country as workers, refugees, asylum seekers and displaced persons. In parallel with the arrival of Muslim immigrants in Denmark for the past 60 years, restrictive laws and regulations have been enacted; Laws that have consistently imposed restrictions on Islam, Islamist, Mosques, Imams, and so on. The question that arises here is why Islam has become problematic in Denmark not as a legal religious minority, like Judaism, but as an "anti-Danish" ? In response, while referring to the analytical-theoretical framework of the problematic rupture, we refer to the problematic change of Danish society from the problem of immigrants / workers to the problematic of Muslims / the "anti-Danish phenomenon" to describe the transformation of Muslims as anti-Danish issues.

Keywords: Denmark, Islam, Migration, Minority, Securitization, Social cleavag theory.

* Assistant Professor in International Relations, Faculty of Economics and Social Sciences,
Bu- Ali Sina University, Hamedan, I.R.Iran.
r.rahmati@basu.ac.ir

گسست اسلام در دانمارک؛ از اقلیت قانونی تا پدیده‌ای «ضددانمارکی»

نوع مقاله: پژوهشی

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۳/۳۱

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۹/۰۴

مقاله برای بازنگری به مدت ۵ روز نزد نویسنده بوده است.

رضا رحمتی*

چکیده

اولین برخورد وایکینگ‌های دانمارکی با مسلمانان مربوط به هزار سال پیش است، اما اولین ورود انبوه مسلمانان به دانمارک را باید در دهه ۱۹۶۰ به‌عنوان کارگران میهمان دنبال کرد. بعد از آن امواج دوم و سوم ورود مسلمانان به‌عنوان کارگران، پناهندگان - پناهجویان و آوارگان به این کشور وارد شدند. به‌موازات ورود مهاجران مسلمان به دانمارک در نزدیک به ۶۰ سال گذشته، قوانین و مقررات محدودکننده نیز وضع شده است؛ قوانینی که پیوسته محدودیت‌هایی را نسبت به اسلام، اسلام‌گرایان و مساجد وضع کرده است. سؤال پژوهش حاضر آن است که چرا اسلام در دانمارک نه به‌عنوان یک اقلیت دینی قانونی، همچون دین یهود، بلکه به‌عنوان یک پدیده «ضددانمارکی» سازماندهی شده است؟ برای این منظور از نظریه «گسست پروبلماتیک»، برای تحلیل استفاد شده و دستاورد پژوهش حکایت از آن دارد که شاهد تغییر جامعه دانمارکی از پروبلماتیک «مهاجر/کارگر» به پروبلماتیک «مسلمان/ضددانمارکی» می‌باشیم.

واژگان کلیدی: اسلام، اقلیت، امنیتی شدن، دانمارک، مهاجرت، نظریه گسست.

* استادیار روابط بین‌الملل، دانشکده علوم اقتصادی و اجتماعی دانشگاه بوعلی سینا، همدان، جمهوری اسلامی ایران.

r.rahmati@basu.ac.ir

مقدمه

بیان مسئله: دانمارک کشور کوچکی با بیش از ۵ میلیون نفر در اروپای شمالی و شبیه به یک ضمیمه برای آلمان است. شاید به‌همین دلیل هم بوده است که آلمانی‌ها در دوره‌هایی چشم طمع نسبت به آن داشته‌اند. در حوزه نوردیک، دانمارک کشوری است که در آن کلیسای ملی از اختیارات بسیار زیادی در حوزه احوال شخصیه برخوردار است. دانمارک به‌عنوان کشوری کوچک و فشرده با فرهنگ یکپارچه نهادی، مذهبی و اجتماعی می‌تواند ادغام و جامعه‌پذیری افراد تازه وارد را با مشکل روبه‌رو کند. مشکلات در ادغام مسلمانان به‌خصوص از دهه اول قرن ۲۱ بیشتر بروز داشته و اسلام را تبدیل به یک مسئله امنیتی در دانمارک کرده که همین پدیده به‌عنوان مسئله اصلی پژوهش حاضر انتخاب شده است.

اهمیت: این پژوهش از آن حیث که می‌تواند در ارائه تصویری مناسب برای نخبگان از یک سو و سیاست‌گذاران از سوی دیگر، مؤثر باشد؛ دارای اهمیت راهبردی می‌باشد. **ضرورت:** کم‌توجهی به تصویرسازی صورت‌گرفته در کشورهایی چون دانمارک از آن حیث که به سلطه‌گفتمان اسلام‌هراسی در جامعه جهانی کمک می‌نماید، می‌تواند به تضعیف جایگاه کشورهای اسلامی در سلسله مراتب قدرت جهانی منجر شود؛ بنابراین پژوهش‌هایی از این قبیل از آنجاکه به اصلاح و ارتقای سیاست خارجی کمک می‌نمایند، دارای ضرورت کاربردی هستند.

اهداف: تقویت فرایند تصمیم‌سازی در حوزه سیاست خارجی در موضوع نحوه تعامل کشورهای غربی با مسلمانان، از رهگذر تحلیل سیاست‌های اسلام‌هراسانه آنها، هدف اصلی این پژوهش را شکل می‌دهد. در همین راستا، ارائه تصویری واقع‌بینانه از مسلمانان در دانمارک و زمینه‌سازی برای طراحی راهکارهایی اجتماعی برای بهبود جایگاه مسلمانان در کشورهای اروپایی؛ به‌عنوان دو هدف فرعی مدنظرند.

سؤال‌ها و فرضیه: پژوهش حاضر فرضیه‌آزما نبوده و بر نظام سؤال‌ها استوار است. پرسش اصلی این است: چرا اسلام در دانمارک نه به‌عنوان یک اقلیت دینی قانونی، بلکه به‌عنوان پدیده‌ای «ضددانمارکی» مسئله‌سازی شده است؟ سؤال‌های فرعی نیز عبارت‌اند از: در دانمارک مسلمانان چگونه از مسلمانان آماری به مسلمانان ایدئولوژیک

تبدیل شدند؟، چگونه راست افراطی در قالب ناسیونالیسم، مسلمانان را به‌عنوان چالش و معمای امنیتی برای دانمارک مطرح کرده است؟
روش پژوهش: پژوهش حاضر به‌لحاظ هدف، کاربردی - توسعه‌ای و به‌لحاظ رویکرد محقق، توصیفی - تحلیلی است. برای گردآوری داده‌ها از روش اسنادی و برای تحلیل آنها از روش «نظریه مبنا» (نظریه گسست) استفاده شده که در بخش مبانی نظری معرفی شده است.

۱. پیشینه پژوهش

یکی از مشکلات اساسی در زمینه مطالعه اسلام در دانمارک فقدان منابع منسجم است. نویسنده اندک منابع موجود را در دو بخش بررسی کرده است.

۱-۱. پیشینه موضوع در نشریه دانش سیاسی

در خصوص موضوع اسلام در دانمارک، اثری در نشریه دانش سیاسی منتشر نشده است. البته بحث کلی سیاست اسلام‌هراسی اروپاییان مورد توجه بوده که دلالت بر سیاست‌های دانمارک نیز دارد؛ برای مثال مرشدی‌زاد (۱۳۸۶) با تأکید بر روی اسلام‌هراسی در اروپا به‌طورکلی نگاهی از یک منظر تاریخ سیاسی به وضعیت اسلام‌هراسی در این قاره داشته است. مقاله حاضر از این جهت که نویسنده تلاش می‌کند به‌صورت موردی، مسئله رابطه مسلمانان/جامعه دانمارک را بررسی کند، از مقاله مزبور متمایز است.

۲-۱. پیشینه موضوع در سایر منابع علمی

متون متنوعی که در ارتباط با موضوع گسست ذهنی نسبت به اسلام در دانمارک منتشر شده که می‌توان با توجه به رویکرد نویسندگان شان، آنها را به دو دسته تقسیم کرد:

الف. متونی که به وضعیت اسلام در دانمارک به‌طور کلی اشاره دارند

در این ارتباط می‌توان به آثاری اشاره داشت که به بررسی آمار مهاجرت و تاریخ تحول اسکان مهاجران در دانمارک پرداخته‌اند. در این آثار به صورت ضمنی به مناسبات بین مسلمانان و مسیحیان پرداخته شده است. برای مثال یوران لارسن (۲۰۰۹)

اولین مطالعه جامع در مورد تاریخ، زمینه و توسعه نهادهای اسلامی در گروه‌های مسلمان در سوئد، نروژ، دانمارک و فنلاند را به همراه استونی، لتونی، ایسلند و جزایر فارو را انجام داده است.

ب. متونی که به تحلیل رویکردهای افراطی نسبت به اسلام در دانمارک پرداخته‌اند

لارسن (۲۰۰۹) در چهارچوب پژوهشی برای شورای تحقیقات اجتماعی و انسانی دانمارک، طرح پژوهشی چندساله در خصوص اسلام در دانمارک انجام و روی حوزه‌های متنوع حضور اسلام در دانمارک تمرکز کرده است. رحمتی (Rahmati, 2020) نیز تلاش کرده با بررسی وضعیت اسلام در پنج کشور نروژ، فنلاند، سوئد، دانمارک و ایسلند، وضعیت برداشت‌های افراطی نسبت به اسلام را از منظر امنیتی‌سازی اسلام بررسی کند.

با تأمل در متون بالا مشخص می‌شود که آنچه در خصوص اسلام در دانمارک تحقیق شده، بیشتر ناظر به وضعیت کلی مسلمانان در دانمارک و رابطه متقابل بین مسلمانان و مسیحیان بوده است. وجه تمایز این نوشتار آن است که نویسنده، موضوع گسست شناختی و ذهنی نسبت به اسلام در دانمارک را بررسی نموده و تلاش کرده تا رویکرد خود را به صورت توسعه‌ای و کاربردی به سمت تغییر جهت‌گیری‌های شناختی نسبت به اسلام در این کشور سوق دهد.

۲. مبانی مفهومی و نظری

به‌منظور شناخت هر چه بهتر موضوع و تحدید مرزهای مفهومی و نظری بحث، در این قسمت مبانی پژوهش بررسی شده اند.

۲-۱. مسلمانان آماري

تعداد مسلمانان در دانمارک تا اول ژانویه ۲۰۰۷ حدود ۱۹۰-۲۱۰ هزار نفر، برابر با ۳٫۸ درصد از کل جمعیت این کشور برآورد شده است. این تعداد در حالی است که سیمونسن (۱۹۹۰) در سال نشر اثرش شمار مسلمانان را حدود ۵۶ هزار نفر تخمین زده بود. این جمعیت مسلمان ممکن است با ارجاع به زبان، ملیت (کشور اصلی)، جنسیت، آموزش، اشتغال، نسل، «فرقه» مذهبی (سني، شيعه، علوي، احمديه، طريقت صوفي)،

مذهب، نگرش‌ها و اعمال مذهبی، دیدگاه‌ها در خصوص مسائلی شبیه به شریعت، جنسیت، و نسبت به مسجدی مشخص، در تقسیم‌بندی‌های مختلفی قرار بگیرند. چنین تقسیم‌بندی‌های از مسلمانان در دانمارک، تحت عنوان «مسلمانان آماری» تعریف شده است. اگر چه گونه‌های متفاوت دیگری از تقسیم‌بندی مسلمانان در دانمارک نیز وجود دارد، اما در تحقیق حاضر این مبنا بدلیل جامعیت آن مدنظر است.

۲-۲. جامعه‌شناسی گسست

گسست یعنی «ازهم‌گسیختگی» یا «حالت جداشدن» (See Merriam-Webster, 2021). این وضعیت می‌تواند در مواجهه با یک پدیده عینی، یک پروبلماتیک ذهنی، یک مسئله معرفت‌شناسانه، یک کنش جامعه‌شناسی و حتی یک برداشت صورت گیرد. بر این اساس دو تلقی اصلی در این خصوص قابل شناسایی است:

الف. گسست ساختاری: برای آلتوسر «گسست ساختاری» موضوعیت دارد و معتقد است که گسست‌ها از آن حیث که «فرم‌اسیون‌های اجتماعی» را دچار آسیب می‌نمایند، حائز اهمیت هستند (نک. آلتوسر، ۱۳۹۵).

ب. گسست ذهن/عین: کاستلز این ایده کلی را مطرح کرده که استقرار و پویایی هر نهادی و از آن جمله نهاد حکومت، در آن است که بین نهاد مربوط و ذهنیت مردم ارتباط وثیقی وجود داشته باشد. در صورت بروز گسست بین عینیت نهاد و ذهنیت مردم، ما با پدیده بحران مشروعیت روبرو می‌شویم. در این رویکرد «گسست ذهن/عین» بیشتر موضوعیت دارد (نک. کاستلز، ۱۳۹۹).

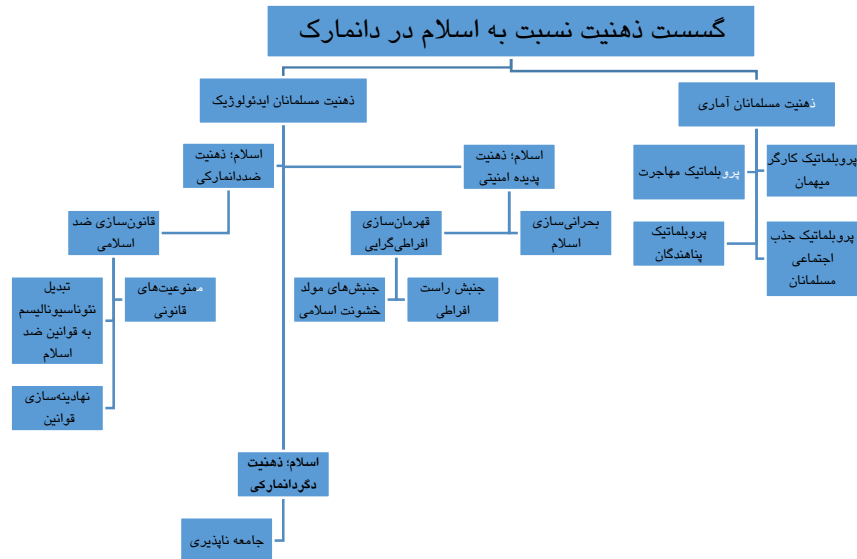
۲-۳. جامعه‌شناسی مسلمانان دانمارک

اینکه جامعه دانمارک، اسلام را چگونه می‌بیند، بستگی به پاسخ ارائه‌شده به سه سؤال مهم دارد: «اسلام/مسلمانان/نمایندگان اسلام» چه چیز هستند و چه چیز نیستند؟، تصویر غالب ارائه‌شده از «اسلام/مسلمانان/نمایندگان اسلام» در دانمارک چیست؟، و بالاخره چه کسانی و چگونه به «اسلام/مسلمانان/نمایندگان اسلام» می‌نگرند؟ مورخ دانمارکی یورگن بک سیمونسن (Jørgen Bæk Simonsen) اسنادی را به‌دست‌آورده که برخوردهای بین دانمارکی‌ها و جهان اسلام را به قرون وسطی بازمی‌گرداند؛ زمانی که

ارتش دانمارک در جنگ‌های صلیبی شرکت کرد تا کنترل قدس را از مسلمانان بگیرد (Larsson, 2009, p. 40). فردریک پنجم (۱۷۴۶-۱۷۶۶) پادشاه دانمارک نیز به جنوب عربستان سفر کرد تا اطلاعات، گیاهان و مصنوعات را جمع‌آوری کند. از مسافران همکار وی، کارستن نیبور (۱۷۳۳-۱۸۱۵) بود که آداب و رسوم منطقه را مشاهده و یادداشت می‌کرد. یکی از اولین افراد دانمارکی که به اسلام گروید، ناد هولمبو^۱ (۱۹۰۲-۱۹۳۱) روزنامه‌نگار و نویسنده کتاب برخوردار صحراً^۲ بود که در آن شرح دست اول خود درباره نسل‌کشی مسلمانان توسط ایتالیایی‌ها در لیبی را ارائه داد (Larsson, 2009, p. 41). نخستین اطلاعاتی که ما نسبت به مسلمانان در دانمارک داریم از سرشماری سال ۱۸۸۰ است، هنگامی که هشت نام «محمد» شمارش شده است (Jacobson, 2012, p. 175). به نظر می‌رسد بعد از این اتفاق کم‌کم کسانی با پس‌زمینه‌های اسلامی در دانمارک زندگی کرده‌اند. شبیه به سایر ادیان، اسلام یک «چیز» یا یک جعبه سیاه بسته نیست. مسلمانان در دولت ملت‌های اروپایی با زبان‌های مختلف، پس‌زمینه‌ها، دستورکارها و تمناهای تحصیلی، سیاسی، ایدئولوژیک، اجتماعی - اقتصادی و مذهبی - الهی خود را معرفی می‌کنند. برخی از آنان سنی، برخی شیعه و برخی علوی هستند. برخی از آنان سلفی، برخی دیگر وهابی و برخی سلفی - صوفی هستند. برخی ادغام-پذیر و برخی غیرادغام‌پذیر هستند (Jensen, 2007, p. 107).

در مجموع می‌توان چنین اظهار داشت که یک نوع از اسلام و یک نوع از مسلمان در اروپا وجود ندارد. با این حال آنچه مشخص است، اینکه ذهنیت نسبت به اسلام و مسلمانان در شکل گفتمان‌های «مهاجر»، «کارگر»، «خارجی»، «غیرمسیحی»، «غیردانمارکی»، «چپ‌گرای قرون وسطایی»، «ستون پنجم» و «تروریست بالقوه»، بر روی شکل‌گیری گسست‌های ذهنی/عینی در جامعه دانمارک و برداشت ایشان نسبت به کنش سیاسی با اسلام، تاثیر زیادی داشته است. با عنایت به نظریه گسست و جامعه‌شناسی مسلمانان دانمارک، می‌توان الگوی تحلیلی گسست در جامعه دانمارکی را به صورت زیر ترسیم کرد:

نمودار شماره (۱): الگوی تحلیلی گسست ذهنیت دانمارکی‌ها نسبت به اسلام



(طراحی توسط نویسنده)

۳. گذار از گسست «شهروند/ مهاجر» به «شهروند/ دگر»

از زمان حضور مسلمانان در جامعه دانمارک تا امروز، تصویر مسلمانان در این کشور تحولات زیادی را تجربه کرده که وضعیت فعلی را می‌توان نتیجه عملکرد چند گسست ذهنی/اجتماعی در این جامعه دانست. گسست‌هایی که به‌صورت هدفمند و بدون رعایت حتی ضوابط انسانی و حقوق بشری بر مسلمانان این جامع تحمیل شده است؛ برای مثال گفتمان غالب جامعه دانمارک در ارتباط با مسلمانان در دهه‌های ۱۹۶۰-۱۹۹۰، گفتمان مهاجرین/میهمانان بوده است که متعاقباً در دهه ۲۰۰۰ به بعد به گفتمان خارجی/ضددانمارکی تبدیل شده و سرانجام به گفتمان تهدید امنیتی نزدیک شده است. دوره اول که ناظر بر دوره تکوین تصویر مسلمانان است، معمولاً با اصطلاح «مسلمانان آماری» در این کشور شناخته می‌شود.

۳-۱. ذهنیت مسلمانان آماری؛ دهه‌های ۱۹۶۰-۱۹۹۰

ذهنیت غالب در دهه‌های ۱۹۶۰-۱۹۹۰ نسبت به مسلمانان، به‌مثابه کارگران ماهر/نیمه‌ماهری بود که برای رفع نیازهای جامعه دانمارک و به‌عنوان «میهمان» وارد شده بودند؛ بنابراین این مهاجرین نیروی محرک اقتصاد در حال صنعتی شدن دانمارک محسوب می‌شدند؛ اقتصادی که در دوره جنگ دوم جهانی ویرانی‌های بسیاری را به سبب اشغال به‌وسیله همسایه جنوبی متحمل شده بود. متعاقباً این تصور ذهنی تحت تأثیر چند پروبلماتیک به شرح زیر تحول می‌یابد:

الف. پروبلماتیک کارگر - میهمان: موج نخست، مهاجرت از کشورهای مسلمان به‌دلیل گسترش اقتصاد پس از جنگ دانمارک و افزایش صنعتی شدن در دهه ۱۹۵۰-۱۹۶۰ صورت گرفت؛ زمانی که شمار زیادی از مهاجران از کشورهای مسلمان شبیه به یوگسلاوی سابق، ترکیه، پاکستان و شمال آفریقا به این کشور مهاجرت کردند؛ بنابراین مسلمانان از سال ۱۹۶۰ به‌عنوان «کارگران - مهمان» وارد دانمارک شدند. شمار این کارگران میهمان به‌صورت مشخص بیان نشده است، اما شمار آنها به اندازه‌ای بوده که پاسخ‌گوی نیازهای جامعه صنعتی دانمارک باشد که بعد از پایان جنگ دوم جهانی و با استفاده از طرح‌های تشویقی برای توسعه این کشور، روند رو به رشدی را طی کنند. روند رو به رشد مهاجرت به دانمارک به‌دلایلی از جمله عدم تناسب فرهنگ مهاجران و جامعه هدف، در اوایل دهه ۱۹۷۰ متوقف شد. با تأمین نیازهای دانمارک در حوزه فنی و نیروی کار، جذب «کارگران» یعنی مهاجران آزاد با قانونی در سال ۱۹۷۳ متوقف شد. باین‌حال به‌صورت متناقضی یک سال بعد یعنی در سال ۱۹۷۴ قانونی در دانمارک تصویب شد که امکان حضور خانواده‌های کارگران و مهاجران سابق را فراهم کرد (Jensen, 2008, p. 131).

ب. پروبلماتیک پناهندگان: موج دوم، پناهندگانی بودند که از دهه ۱۹۸۰ و بعد از تغییر نظام سیاسی در ایران به دانمارک وارد شدند. گفته می‌شود به‌دنبال پناهندگی سیاسی موضوع اصلی این نوع مهاجرت بوده است. موج سوم مهاجران، در دهه ۱۹۹۰، پناهندگانی بودند که از بالکان، در پی تجزیه سیاسی یوگسلاوی سابق به دانمارک وارد شدند. بعد از آن نیز حکومت تمام تلاش خود را کرد تا مانع از مهاجرت جمعی

مسلمانان چه به شکل کارگران/مهاجران و چه به شکل پناهندگان به دانمارک شود (Jensen, 2008, pp. 132-134).

پ. **پروبولماتیک مهاجرت:** به لحاظ ارتباط بین دولت و مذهب، می‌توان دانمارک را به صورت **کشوری همگن** در نظر گرفت. به طور کلی تمام کشورهای اسکاندیناوی ویژگی همگن بودن را دارا هستند (رحمتی، ۱۳۹۸، صص. ۱۲۴-۱۰۳). اگرچه همواره مذاهب دیگر نیز «تأیید» شده یا «به رسمیت شناخته شده» اند، با این حال این کشور در تنظیم روابط بین مذهب و دولت بسیار بسته بوده است. از سوی دیگر در دانمارک *رابطه تنگاتنگی بین مذهب اکثریت از یک سو و سرزمین، قومیت، زبان و دولت وجود دارد.* به همان اندازه که دولت در دانمارک به عنوان دولت سکولار منعکس شده است، رابطه بین دولت و کلیسا در هم تنیده بوده است (Jensen, 2008, p. 113).

ت. **پروبولماتیک جذب اجتماعی:** قائلان به جذب مسلمانان در جامعه دانمارکی، با بهره‌گیری از الگوی چندفرهنگی موجود در قانون اساسی دانمارک و اتفاق‌های دهه ۱۹۹۰، معتقدند این دهه، دهه پروبولماتیک جذب اجتماعی مسلمانان در دانمارک است. قانون اساسی دانمارک در بخش هفتم از مواد ۶۶-۷۰ به مسائل مذهبی می‌پردازد. در ماده ۶۹ یعنی مقررات مربوط به سایر نهادهای مذهبی، اظهار می‌دارد که «قوانین مربوط به شاخه‌های مذهبی مخالف کلیسای مستقر، توسط اساسنامه تعیین می‌شود»، مفهوم مخالف این ماده «شناسایی تمایز و تبعیض» بین کلیسای مستقر و سایر نهادهای مذهبی موجود در این کشور است. طبق ماده ۶۷ قانون اساسی دانمارک، شهروندان مجاز به تشکیل جماعت‌های عبادی و متناسب با اعتقادات خود خواهند بود، مشروط بر اینکه هیچ چیز مغایر با اخلاق یا نظم عمومی نباشد یا آموزش داده نشود.^۳ در حالی که طبق این ماده آزادی مذهبی به رسمیت شناخته شده است، اما از یک سو تنها کلیسای مستقر از مزایای اقتصادی ویژه برخوردار است و از سوی دیگر در شرایط مواجه شدن با وضعیت چندفرهنگی تر شبیه به آنچه در دانمارک از اواخر دهه ۱۹۹۰ اتفاق افتاد، روندهای مسیحی‌تر کردن کشور پُررنگ‌تر شده است؛ برای مثال در سال ۱۹۹۷، وقتی دانمارک از نظر تعداد مذاهب غیرمسیحی کمی چندفرهنگی‌تر شده بود و در زمانی که تخمین زده شد که حدود ۳ درصد از جمعیت کشور مسلمانان هستند، مقامات

دانمارکی تصویری از مسیح مصلوب شده را به عنوان نشان در گذرنامه‌های دانمارکی درج کردند. به نظر می‌رسد دلیل آن نه تنها معرفی دانمارک به عنوان یک کشور مسیحی (که به نظر می‌رسد با وجود داشتن ۸۰ درصد جمعیت مسیحی تنها هدف بازگویی این واقعیت نبوده است)، بلکه بازسازی چهره غالب مذهبی یا به عبارت بهتر به نمایش درآوردن وضعیت تک‌مذهبی ماندن در دانمارک بوده است (Jensen, 2008, p. 113).

بنابراین آنچه مشخص است، این است که با وجود تصریح قانون اساسی سال ۱۸۴۹ و قانون اساسی کنونی (۱۹۵۳)، که در همین بخش هفتم خود در ماده ۶۷ «آزادی مذهبی» را به رسمیت شناخته است، اما همان‌طور که مشخص است، جذب اجتماعی نیز یک پروبلماتیک برای جامعه دانمارکی است و به سادگی امکان نیل به آن وجود ندارد. حتی در دهه ۱۹۹۰ که مباحث چندفرهنگی نیز جریان غالب است، آزادی مذهبی به معنی برابری مذهبی در دانمارک نیست. تفاسیر به این سمت حرکت می‌کند که هم نص قانون و هم تفاسیری که نسبت به این قانون ارائه شده است، بیانگر این است که برای قانون‌گذار و مجری، رابطه هژمونیک مسیحیت و کلیسای لوتری ملی دانمارک با سایر ادیان و مذاهب از اهمیت برخوردار بوده است. هاینر بیله فلد گزارشگر ویژه سازمان ملل در سفر به کشور دانمارک، عبارتی را مورد ملاحظه قرار داد که غالباً در گفتمان دانمارک به کار می‌رود، عبارت این جمله است «در دانمارک آزادی مذهبی وجود دارد، اما برابری مذهبی وجود ندارد» (Bielefeldt, supra note 3, para. 9). به همین دلیل با توجه به اینکه رابطه تنگاتنگی بین مذهب مسیحیت، کلیسای لوتری ملی دانمارک، دولت سکولار دانمارک و قومیت در این کشور وجود دارد، به نظر می‌رسد می‌توان کلیسای ملی دانمارک را تجلی هویت، زبان، فرهنگ و سرزمین دانمارک دانست؛ برای مثال یکی از مشکلاتی که به دنبال قانون اساسی سال ۱۸۴۹ بروز کرد «ازدواج‌های خارج از کلیسا»، بود. طبق این قانون اساسی حق اعمال چنین ازدواج‌هایی داده نشد. مجلس (فولکتینگ) در دوره بعد از تصویب قانون اساسی تصمیم گرفت تا این حق را به وزارت امور کلیسایی دانمارک^۴ واگذار کند، یعنی فرایند تأیید و ثبت این ازدواج‌ها را به یک اقدام اداری تبدیل کرد. براین اساس، جماعت‌های مذهبی تأییدشده می‌توانستند با ورود وزارت امور کلیسایی دانمارک ازدواج‌ها را انجام دهند (Jensen, 2008, p. 114).

۲-۳. ذهنیت مسلمانان ایدئولوژیک؛ دهه ۲۰۰۰-۲۰۲۰

بعد از پایان دهه ۱۹۹۰ و با فضای امنیتی جدیدی که در خصوص مسلمانان در دانمارک به وجود آمد، روند طرد اجتماعی مسلمانان نیز تسریع یافت. به خصوص بعد از واقعه ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱م، مسلمانان با تدابیر امنیتی بیشتری مواجه شدند که تجلی آن را می‌توان در بحران خندک‌ها (کاریکاتورها) مشاهده کرد (آرتر، ۱۴۰۰، مقدمه). تولید و ترویج این تصویر ذهنی جدید در چند مرحله به انجام رسیده است:

الف. دوره طرح اسلام به عنوان «دگر دانمارکی»: منظور از دگر دانمارکی، مجموع القابی است که خصوصاً در دوره جنگ‌های صلیبی و بعد از آن به مسلمانان دانمارکی برچسب‌گذاری شده است. «کفر»، «مسلمان»، «دشمن ما»، «ترک‌ها»، از جمله «دگر» دانمارکی‌ها تعریف شده‌اند (See Simonsen, 2004). نگاهی به برخی از آمارها نسبت به مسلمانان در دانمارک (نک. جدول شماره ۱)، نشان‌دهنده این است که توزیع مشاغل، فرصت‌ها و امکانات بر اساس همین هویت‌سازی‌ها صورت گرفته است. اطلاعات بسیار اندکی درباره مسلمانان در بازار کار دانمارک وجود دارد، چرا که قومیت، اغلباً به وضوح از نظرسنجی‌های انجام شده به وسیله اداره ملی آمار (Danmarks Statistik)، انجمن‌های بیمه یارانه‌ای دولت و اتحادیه کارگری دور نگه داشته می‌شود. با این حال وضعیت بازار کار اقلیت‌های قومی در دانمارک تا سال ۲۰۰۹، همان‌گونه که در جدول زیر به نمایش گذاشته شده، نشان‌دهنده گسستی در وضعیت اجتماعی مسلمانان است:

جدول شماره (۱): وضعیت بازار کار اقلیت‌های قومی و کل جمعیت در دانمارک

کشور اصلی	درصد مشارکت در بازار کار		دستمزد ساعتی (بر اساس کرون دانمارک)
	درصد بیکاران	درصد مشارکت در بازار کار	
کل جمعیت	۶	۷۶	۲۷۸
ترکیه	۱۸	۶۲	۱۷۱
عراق	۲۷	۳۸	۱۳۸
بوسنی و هرزگوین	۱۳	۵۷	۱۷۷
سایر غیر غربی‌ها	۲۸	۵۶	۱۶۵

(Source: Ministry for Refugees, July 2009, 13)

نشانه‌هایی وجود دارد (نک. جدول شماره ۲) که نشان می‌دهد مسلمانان در بازار کار، به همان درجه خود دانمارکی‌های بومی، عادلانه جذب نمی‌شوند. طبق گزارش مؤسسه جامعه باز (OSI)، اکثریت اقلیت‌های قومی، مهارت‌ها و مدارک کمتری دارند که در محیط کار ارزشمند است. با این حال، حتی هنگامی که اقلیت‌های قومی از مهارت و تحصیلات مشابه با همسالان بومی خود برخوردار باشند، از وضعیت یکسانی برخوردار نیستند.

جدول شماره (۲): نرخ‌های بیکاری برای گروه‌های سنی فعال اقتصادی از کشورهای مسلمان

کشور اصلی	مرد		زن	
	۱ ژانویه ۲۰۰۴	۱ ژانویه ۲۰۰۹	۱ ژانویه ۲۰۰۴	۱ ژانویه ۲۰۰۹
ترکیه	۳۹	۴۶	۳۰	۳۸
عراق	۱۹	۳۰	۸	۲۰
بوسنی و هرزگوین	۴۵	۵۱	۳۳	۴۲
پاکستان	۳۶	۴۳	۲۰	۲۹
لبنان	۲۱	۳۱	۸	۱۷
یوگسلاوی سابق	۴۷	۴۹	۳۷	۴۲
ایران	۳۴	۴۲	۲۴	۳۷
سومالی	۱۷	۳۴	۷	۲۲

زن		مرد		کشور اصلی
۱ ژانویه ۲۰۰۹	۱ ژانویه ۲۰۰۴	۱ ژانویه ۲۰۰۹	۱ ژانویه ۲۰۰۴	
۲۵	۶	۴۰	۲۰	افغانستان

(Source: Ministry of Refugees, 2009, pp. 40-41).

همچنین دانشجویانی با زبان مادری غیردانمارکی اینک ۱۰ درصد از جمعیت دانشجویان را تشکیل داده‌اند، با بزرگ‌ترین گروه‌هایی از ترکیه، خاورمیانه، ایران، یوگسلاوی سابق و پاکستان. دانشجویان با پس‌زمینه‌های اجتماعی - اقتصادی و آن‌هایی که زبان مادری غیردانمارکی دارند با چالش‌های بیشتری در دستیابی به نتایج تحصیلی خوب مواجهند.

ب. دوره طرح اسلام به مثابه «پدیده‌ای ضددانمارکی»: اعمال محدودیت‌های بیشتر سبب شد تا مهاجران، هر چه بیشتر تبدیل به «خارجی»‌ها شوند و سیاست‌های ضدخارجی علیه آنها اعمال شود. بدین ترتیب نه نیاز به کار و نه نیاز به کارگران و مهاجران، بلکه خود مهاجران و به‌طورخاص خود مسلمانان تبدیل به پروبلماتیک جدید دانمارک شدند. محدودیت‌های مهاجرتی بیشتر شد و تجلی سیاسی خود را با ائتلاف راست میانه حکومت بعد از سال ۲۰۰۱ نشان داد و این ائتلاف، دانمارک را با یکی از محدودکننده‌ترین نظام‌های مهاجرت و پناهندگی در اروپا مواجه کرد. به‌همین دلیل در ژوئن سال ۲۰۰۲، مجلس دانمارک بسته قوانینی را برای مقابله با تهدید فزاینده تروریسم بین‌المللی تصویب کرد، از جمله اختیارات بیشتر به پلیس برای نظارت بیشتر بر گروه‌ها یا افراد مسلمان. تحقیقات اخیر نشان می‌دهد، در گفتمان فعلی عمومی، رسانه‌ای و سیاسی، اصطلاحات «اقلیت‌های قومی» و «مهاجران» ناخودآگاه مسلمانان را نشانه می‌روند. علاوه‌براین، هویت مسلمان اغلب به‌عنوان روی دیگر دوگانه «دانمارکی - غیردانمارکی» تلقی می‌شود. طبق این منطق نمی‌توان همزمان دانمارکی و غیردانمارکی بود؛ بنابراین نمی‌توان همزمان دانمارکی-مسلمان بود.

پ. دوره تقویت نئوناسیونالیسم دانمارکی: در دوره ۲۰۰۰ به بعد رابطه مسلمان - دانمارکی وارد تقابل‌های ایدئولوژیک شده است. از جمله این ورود ادبیات نئوناسیونالیستی برای صیانت از «ارزش‌های دانمارکی» و «ارزش‌های مسیحیت لوتری»

بوده است. مجموع این تقابلهای سبب شکل‌گیری هویت‌های «خارجی» و «ضد‌دانمارکی» در این کشور نسبت به مسلمانان شده است.

ت. دوره قانون‌گذاری منفی: طی سال‌های ۲۰۰۱- شاهد وضع قوانینی هستیم که سیاست‌های نظری و اجتماعی پیش‌گفته را در قالب قانون نهادینه نموده و از این طریق اصل آزادی مذهبی را به‌شدت مخدوش کرده است. دوره فشار بر آزادی‌های مذهبی و عقیدتی جوامع مذهبی از جمله اسلام در دانمارک را می‌توان به دو دوره تقسیم کرد: دوره ۲۰۰۱-۲۰۰۴، و دوره ۲۰۱۴-۲۰۱۸. در این دوره برخی از آراء جنجالی در خصوص روسری و نمازگزاران در بازار کار دانمارک وضع شده و قوانینی در خصوص مدارس ابتدایی با تمرکز بر تفوق «علم مسیحی» در این کشور وجود دارد که زمینه‌های دگرسازی نسبت به مسلمانان در این کشور را قوام می‌بخشد. در ادامه به مصادیق بارز این سیاست اشاره می‌شود.

مورد (۱). آراء جنجالی در مخالفت با قانون ممنوعیت برخورد متفاوت در بازار کار. از ابتدای سال‌های بعد از امنیتی‌سازی اسلام در اروپا، بحث‌هایی در خصوص آراء جنجالی دادگاه‌های دانمارک در خصوص روسری و نمازگزاران در بازار کار صادر شد. در حالی که قانون صریحی درباره «ممنوعیت برخورد متفاوت در بازار کار» در دانمارک وجود دارد و از اول ژوئیه سال ۱۹۹۶ به اجرا درآمد و شامل یک ممنوعیت کلی علیه تبعیض مستقیم و غیرمستقیم در بازار کار به دلیل نژاد، رنگ، مذهب، عقاید سیاسی، گرایش جنسب یا منشأ ملی، اجتماعی یا قومی است، باین‌حال پرونده‌هایی در خصوص منع پوشش روسری در بازار کار در دانمارک توسط قضات بر اساس این قانون به رأی رسیده است؛ از جمله پرونده‌ای که توسط دادگاه عالی در تاریخ ۱۸ دسامبر سال ۲۰۰۳ با این تصمیم مختومه شد. در مقایسه با پرونده‌های قبلی دادگاه عالی، این نخستین تصمیمی بود که به یک شرکت اجازه می‌داد متقاضیان روسری را در آینده رد کند. در مارس سال ۲۰۰۱، دادگاه عالی تصمیمی را در پرونده دیگری در خصوص روسری اتخاذ کرد، دادگاه در این رأی نیز نتیجه گرفت که قانون منع تبعیض در خصوص بازار کار مورد تعدی قرار نگرفت.

مورد (۲). ممنوعیت پوشش اسلامی. در سال ۲۰۰۵، دیوان عالی دانمارک قانونی را تصویب کرد که به مشاغل اجازه می‌دهد زنان را از پوشیدن روسری به‌عنوان بخشی از لباس فرم ممنوع کنند. در سال ۲۰۰۹، استفاده از نمادهای مذهبی از جمله روسری برای قضات و هیئت منصفه ممنوع شد. این قانون با مخالفت بخشی از کانون وکلا مواجه شد. برخی از مدارس، حجاب‌های صورت را در کلاس ممنوع کرده‌اند. حزب مردم دانمارک خواستار ممنوعیت حجاب صورت در سراسر و همچنین ممنوعیت روسری در مجلس (فولکتینگ) شده است، اما هیچ‌یک از این طرح‌ها از سال ۲۰۱۳ تصویب نشده است.

مورد (۳). قانون بیگانگان و نقض مواد ۱۴۰ و بند ب ماده ۲۶۶ قانون مجازات. در ارتباط با مأموریت‌های مذهبی و عاظ، امامان، گماشتگان مذهبی در بند a ماده ۹ به صراحت در خصوص اعطای مجوز به این افراد و در روابط آنها با کلیسای ملی دانمارک صحبت شده است. همچنین در نمونه دیگر که آن هم در ارتباط با جوامع اسلامی دانمارک بود، تحت عنوان «قوانینی علیه کفر، تبعیض و نژادپرستی» در مواد ۱۴۰ و بند ب ماده ۲۶۶ در قانون مجازات دانمارک شرایط این روابط تصریح شده است. ماده ۱۴۰ این قانون تصریح می‌کند «هر شخصی که به‌صورت عمومی استهزا می‌کند یا تحصیل مذهبی یا عبادت مذهبی هر یک از جوامع مذهبی مشروع را در این کشور مورد تمسخر قرار می‌دهد، می‌بایست برای یک دوره چهار ماهه حبس شود». همچنین بر اساس بند ب ماده ۲۶۶ «هر شخصی که علناً یا به قصد انتشار به طیف وسیعی از مردم بیانیه‌ای صادر کند یا اطلاعات دیگری را [با هدف] تهدید، توهین یا تحقیرآمیز به گروهی از افراد به دلیل نژاد، رنگ، منشأ ملی یا قومی، اعتقادی یا گرایش جنسی منتقل کند، مجازات جزای نقدی یا حبس بیش از دو سال خواهد داشت». گفته شده است که ماده ۱۴۰ از سال ۱۹۳۸ مورد استفاده قرار نگرفته است. بر اساس نظر تئو فون گووک در نوامبر سال ۲۰۰۴، حزب خلق دانمارک لایحه‌ای را برای تفسیر آن ارائه داد. این لایحه در تلاش بود تا این طرح را در پرتو مخالفت همان حزب با اسلام بنگرد. «قانون بیگانگان» که بعد از حملات ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱م و در تاریخ ۱۴ جولای سال ۲۰۰۴ به تصویب رسید و

محدودیت‌های حقوقی در خصوص دستیابی به مجوز اقامت را تشویق کرد، مورد توجه است. دولت با ادعای محافظت از مردم از مجبور شدن یا ممانعت از ازدواج-های تنظیم‌شده این قانون را وضع کرد. علاوه‌براین، دولت ادعا کرد که این قانون همگرایی و ادغام را ترویج می‌دهد» (Guild, 2016, p. 301).

مورد (۴). مداخله در امور مدارس؛ علم مسیحی و آموزش فرهنگ دانمارکی. آموزش دینی در دانمارک خصوصاً در دوره ۹ ساله ابتدایی «علم مسیحی» نام دارد. موضع‌گیری بسیاری از سیاستمداران واضح است: در دانمارک ما مسیحی هستیم و آموزش مذهبی مدرسه عمومی به‌معنی این نیست که مدرسه‌ای به‌صورت نسبی «بی‌طرف» باشد، بلکه وسیله‌ای برای انتقال دانش و ارزش‌های میراث مذهبی - فرهنگی دانمارک است (Jensen, 2008, p. 121).

ث. دوره مداخله فراگیر در امور اقلیت مسلمان: سال‌های ۲۰۱۴-۲۰۱۸ را می‌توان دوره «مداخله فراگیر در امور مسلمانان» در دانمارک معرفی کرد. در این دوره شاهد طرح زنجیره‌ای از قوانین در این کشور هستیم که به‌صورت پی‌درپی علیه مسلمانان در مجامع حقوقی و مجلس (فولکتینگ) دانمارک، حتی در امور داخلی و جزئی آنها وضع شده است؛ برای مثال می‌توان به موارد زیر اشاره داشت:

مورد (۱). ممنوعیت ذبح مذهبی بدون بیهوشی: این ممنوعیت که با یک دستور اداری در سال ۲۰۱۴ مطرح شد و ناظر به ممنوع کردن ذبح حیوانات بدون بیهوشی بود که اعتراض «کمیته مشورتی کنوانسیون چهارچوبی برای حمایت از اقلیت‌های ملی در سال ۲۰۱۵» را نیز دربرداشت (Lassen, 2020, p. 142).

مورد (۲). پنج قانون با موضوع «گماشته‌های دینی که به‌دنبال تضعیف قوانین و ارزش‌های دانمارک هستند». در مارس سال ۲۰۱۶، تلویزیون ملی برنامه‌ای را نشان داد که امامان در یک مسجد در دانمارک در حال اعمال دیدگاه‌هایی خلاف قوانین دانمارک بودند. به‌دنبال آن در ۳۱ می سال ۲۰۱۶، بعد از بحث‌های طولانی، دولت (حزب لیبرال دانمارک)، سوسیال دموکرات‌ها، حزب مردم دانمارک و محافظه‌کاران در مورد ابتکاراتی با هدف‌گیری مبلغان مذهبی که به‌دنبال تضعیف قوانین دانمارک هستند، توافق سیاسی انجام دادند. این توافق منجر به ۵ قانون شد که همگی در اواخر سال ۲۰۱۶ و اوایل سال ۲۰۱۷ تصویب شدند: لایحه قانونی برای اصلاح

قانون ازدواج و انحلال ازدواج (شرط رفتار بیجا و دوره اجباری در قانون خانواده، آزادی و دموکراسی دانمارک)؛ لایحه اصلاح قانون جزا (جرم‌انگاری تأیید صریح برخی از اعمال مجرمانه در چهارچوب آموزش‌های دینی)؛ لایحه اصلاح قانون آموزش غیررسمی و فعالیت داوطلبانه مردم‌سالارانه و قانون ارزیابی مالیات (اقدامات علیه انجمن‌های مقابله‌کننده یا تضعیف‌کننده مردم‌سالاری یا آزادی‌های بنیادین و حقوق بشر)؛ لایحه اصلاح قانون بیگانگان (معرفی فهرست مجازات عمومی مبلغان مذهبی خارجی و غیره که ممکن است از ورود به دانمارک محروم شوند) و لایحه اصلاح قانون بیگانگان (دوره اجباری در قانون خانواده دانمارک، آزادی و مردم‌سالاری برای مذهبی‌ها و مبلغان یا اعلامیه انعقاد انطباق با قانون دانمارک) (Lassen, 2020, pp. 142-145).

مورد (۳). ممنوعیت برقع: در می ۲۰۱۸، مجلس قانونی را وضع کرد که استفاده از هر لباسی را که صورت را بپوشاند، منع کرده و برقع و نقاب‌ها را ممنوع کند. سیاستمداران حامی این قانون استدلال می‌کنند که این موضوع مربوط به امنیت ملی است، در حالی مخالفان این قانون معتقدند که این قانون ابزاری برای تبعیض علیه زنان مسلمان است (Sorensen, 2018). وزیر دادگستری سورن پایه پولسن با این استدلال که لباس مسلمانان ارزش‌های دانمارک را نقض می‌کند، از قانون دفاع کرد (Haward, 2019, pp. 33-66). در پی تصویب این قانون، اعتراض‌هایی در سراسر کشور برگزار شد. گروه زنان در گفت‌وگو، تظاهرات مسالمت‌آمیزی را در کپنهاگ برگزار کرد (Gargiulo & Dewan, 2019). استدلال این بود که برقع سبب محرومیت اجتماعی زنان می‌شود.

مورد (۴). دست دادن به‌عنوان پیش‌شرط شهروندی: مجلس دانمارک در دسامبر سال ۲۰۱۸ لایحه‌ای را درباره کسب تابعیت تصویب کرد که در آن عنصر جدیدی اضافه شد، یعنی مراسمی برای اخذ تابعیت. در طول مراسم متقاضی موظف است با شخصی که مجاز به اعطای تابعیت است، دست دهد. دلیل اصلی این بود که «مصافحه بیان احترام است» و «احترام یک ارزش اساسی اجتماعی در دانمارک است» (Lassen, 2020, pp. 142-145).

۴. گذر از گسست «شهروند/دگر» به «شهروند/افراط‌گرا»

ذهنیت «خارجی - ضدانمارکی» برای فرایند ادغام و امنیت بسیار ضدسازنده بوده و اسلام را تبدیل به یک «مشکله» اجتماعی، فرهنگی و حتی امنیتی برای جامعه دانمارک ساخته است. همین «مشکله»‌سازی از اسلام نیز در فضای اجتماعی و رسانه‌ای مخابره شده است. اسلام‌گرایان افراطی بیشتر تمایل داشتند برای توجیه مشروعیت حضور و کنشگری خود، همین قرائت افراطی در دانمارک که «مسلمانان یک مشکله اجتماعی و امنیتی» هستند را برجسته‌سازی کنند و با همین رهیافت، طرح قهرمان‌سازی از متعصبان مسلمان ضدغرب (یعنی همان گروه افراطی میلشیا) را تحرک بخشیده‌اند. موتور محرکه این گسست را تقویت و ترویج جنبش‌های ضداسلام‌گرا در دانمارک شکل می‌دهد. از این منظر می‌توان چنین اظهار داشت که محصول مستقیم شکل‌گیری پروبلماتیک جدید در جامعه دانمارکی نسبت به مسلمانان، ظهور جنبش‌های ضداسلام‌گرا در این کشور بوده است. اینکه در ابتدا کدام یک از جنبش‌های اسلام‌گرا یا ضداسلام‌گرا در دانمارک تأثیرگذار بوده، محل اختلاف است، اما در مجموع می‌توان تحولات رخ داده در حوزه گسست ذهنی جامعه دانمارک از اسلام و مسلمانان را متأثر از هر دو پدیده زیر دانست:

الف. ظهور و ترویج جنبش‌های افراطی اسلام‌گرا: در دهه ۲۰۰۰ جنبش‌های رادیکال اسلام‌گرا رشد شتابانی را تجربه کردند و تا سال ۲۰۱۴ مبارزانی در میان جنبش‌های رادیکال اسلام‌گرا در کپنهاگ، آرهوس و اودنسه حضور داشتند. چندین تن به باندهای جنایت جنبش‌های رادیکال اسلام‌گرایانه پیوستند. تخمین زده شده است که اسلام‌گرایان میلشیا تا سال ۲۰۱۴ به صدها تن رسیده باشند. مرکز ملی تحقیقات اجتماعی دانمارک، گزارشی را به وزارت کودکان، همگرایی و امور اجتماعی ارائه داد که طبق آن، ۱۵ گروه افراطی فعال در دانمارک ثبت شده است. اکثر این سازمان‌ها گروه‌های راست افراطی یا چپ افراطی غیرمسلمان بودند، اما در میان آنها پنج گروه اسلامی سنی نیز حضور داشتند. این گروه‌های اسلام‌گرا شامل حزب التحریر دانمارک، حاملان دعوت، دعوت به اسلام، مرکز دعوت و مرکز جوانان مسلمان بوده‌اند. تمام این گروه‌های اسلام‌گرای سنی در کپنهاگ بزرگ فعالیت دارند، به‌استثنای مرکز جوانان

مسلمان که در آرهوس فعالیت می‌کند، در مجموع تخمین زده شده است که تقریباً ۱۹۵ تن از ۴۱۵ مسلمان به یکی از این سازمان‌ها تعلق دارند و اکثر آنها نیز مردان جوان هستند. علاوه بر این طبق یک نظرسنجی در سال ۲۰۱۷، تعداد مساجد در دانمارک از ۱۱۵ در سال ۲۰۰۶ به حدود ۱۷۰ در سال ۲۰۱۷ افزایش یافته است که تقریباً ۵۰ درصد افزایش داشته است. این افزایش تقریباً با افزایش تعداد مسلمانان در این کشور مطابقت داشت که از ۲۰۰ هزار نفر به حدود ۳۰۰ هزار نفر رسیده بود (Kjærgaard, 2017). یک نظرسنجی کاملاً جدید از مساجد در دانمارک نشان می‌دهد که در دهه گذشته تحول‌های مهمی در انجمن‌های اسلامی رخ داده است. این پژوهش‌ها را لنه کوهل استاد و مالک لارسن دستیار تحقیق از گروه مطالعات دینی در دانشگاه آرهوس انجام داده‌اند (Kjærgaard, 2017). علاوه بر جنبش‌های افراطی اسلامی، رویکردهای تقابلی نیز عیان‌تر شده است. در سال ۲۰۱۷ بحث مربوط به ازدواج کودکان یا افراد زیر ۱۸ سال محل تنش بین امام مسجدی در شهر آرهوس و وزارت مهاجرت شده بود که هر یک ادعا می‌کردند ازدواج کودکان باید متناسب با فرهنگ آنها باشد و باید به‌عنوان قسمتی از فرهنگ خود (مسلمان/دانمارکی) نظر آنها مورد پذیرش واقع شود.

ب. **ظهور و ترویج جنبش‌ها و احساسات ضد اسلام‌گرا:** روی دیگر ظهور جنبش‌های اسلام‌گرای افراطی، ظهور جنبش‌های ضداسلام‌گرا است. به‌عبارتی هر چه از جامعه‌پذیری سیاسی به سمت قطب‌های زندگی سیاسی در دانمارک حرکت می‌شود، تمایلات واگرایانه در نیروهای اجتماعی نسبت به جامعه‌پذیری سیاسی کمتر می‌شود. احزاب ضد اسلام، درست بعد از واقعه ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱م، اسلام را ناسازگار با ارزش‌های اروپایی و تهدیدی برای جوامع اروپایی معرفی می‌کنند. به‌عنوان مثال، چند روز بعد از ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱، نماینده مجلس از حزب مردم دانمارک، مهاجرت مسلمانان به دانمارک را به‌عنوان یک حمله عنوان کرده و اظهار داشت که مسلمانان عادی با تروریست‌ها تفاوتی ندارند (Betz & Meret 2009, p. 319). در آستانه انتخابات سراسری ژوئن ۲۰۱۹، احزاب سمت راست به سمت قوانین سخت‌گیرانه‌تر در مورد مهاجرت و اسلام رفتند. حزب خلق دانمارک^۱ که مدت طولانی قهرمان قوانین محدودکننده و ضد مهاجرت شده بود، بدون توجه به اینکه چه کنوانسیون‌های

بین‌المللی ممکن است این کشور امضا کرده باشد، خواستار توقف کامل پناهندگی شد. در همین زمان بود که حزب خط سخت (استرام کورس) خواستار ممنوعیت کامل اسلام و اخراج همه مسلمانان از دانمارک شد. سخنان انتخاباتی وی که منجر به سوزاندن قرآن در بین مردم - در میان میزانی از گوشت خوک - شد سبب ایجاد آستانه تنش بسیار بالا در تمام دانمارک و در بین مسلمانان شد (Hedlund, 2020). در آوریل سال ۲۰۱۹، پس از آنکه راسموس پالودان، مخالف اسلام، تظاهراتی برگزار کرد، در کپنهاگ شورش‌ها آغاز شد. ۲۳ نفر به دلیل طیف وسیعی از جرایم، دستگیر شدند. در همان سال مرکز خدمات اضطراری به ۷۰ آتش‌سوزی وابسته به اغتشاشات پاسخ دادند که در نوع خود عددی قابل توجه برای دانمارک بود (Sorensen, 2019). در کل به نظر می‌رسد که با توجه به جریان عمومی سیاست‌گذاری در این کشور ایجاد پروبلماتیک‌های متعدد اجتناب‌ناپذیر است. پروبلماتیک و گسست در این کشور درست در قسمت افراطی جامعه - مسلمانان اتفاق افتاده است؛ برای مثال درحالی‌که بخش قابل توجهی از جامعه و نخبگان دانمارکی اسلام را تهدیدانگاری نمی‌کنند، سیاست‌گذاری به‌نحوی پیش رفته است که بخش افراطی هم در جامعه و هم در مسلمانان به سمت تهدیدانگاری از مسلمانان حرکت کرده است. این موضوع البته از ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱م و بحران کاریکاتور (Larsson, 2009, p. 361) در سال ۲۰۰۵، فزونی یافته است؛ زمانی که مسئله نگرش دانمارکی‌ها نسبت به مهاجرت و ادغام اجتماعی مسلمانان در جامعه دانمارک تحت‌الشعاع قرار گرفت. یکی از نظرسنجی‌های اخیر که به‌وسیله وکس‌متر برای مرکز مطالعات اسلام‌گرایی و افراطی‌سازی (CIR) در بخش علوم سیاسی دانشگاه آرهوس در دسامبر ۲۰۱۰ انجام شد، برداشتی از وضعیت دانمارکی‌ها در خصوص مسائل خاص مربوط به اسلام و مسلمانان ارائه می‌دهد. ۶۷,۵ درصد از همه پاسخ‌دهندگان مخالف هستند که اسلام به‌عنوان یک مذهب تهدیدی برای دانمارک است. بخش بسیار اندکی از کلیه پاسخ‌دهندگان بیان کردند که آنها مخالف این هستند که دختر یا پسر آنها با یک مسلمان ازدواج کند. بخش قابل توجهی (۶۱ درصد) از پاسخ‌دهندگان، اظهار داشتند، رابطه دانمارکی‌ها در کل با اسلام به‌عنوان یک مذهب را به‌عنوان بد یا خیلی بد می‌بینند. ۶۱ درصد از پاسخ‌دهندگان رابطه دانمارکی‌ها با اسلام را به‌عنوان یک مذهب بد یا بسیار بد می‌دانند. اکثریت دیدگاه‌های

این نگرش نسبت به اسلام و مسلمانان در دانمارک ممکن است به شیوه زیر خلاصه شود: اسلام یک «مذهب بحرانی شده» در دانمارک است. در سوی دیگر برخی مدعی‌اند که در سطح نظام سیاسی «رابطه مقامات دانمارکی با اسلام به عنوان یک مذهب خوب است و مسلمانان بخشی از جمعیتی نیستند که به وسیله مقامات دانمارکی به عنوان بدترین تهدید قلمداد شوند» (Nannestad, 2021, pp. 1-5).

۵. امکان غیرامنیتی شدن گسست ذهنی جامعه دانمارک در قبال مسلمانان

دانمارک مورد خاصی از روابط اجتماعی «جامعه - اسلام‌گراها» را تجربه می‌کند. وقتی از دانمارکی‌ها پرسیده شد که نسبت به وضعیت امنیت در ساهای آتی چه تصویری دارند؟، بیش از ۳۵ درصدشان معتقد بودند که گروه‌های افراط‌گرا برهم‌زننده ثبات هستند. برداشت همه این بود که نمی‌توان آن‌ها را با فرایند جامعه‌پذیری، مدیریت کرد (2016, October). همین موضوع ساحت سیاست را نیز متأثر ساخته است؛ برای مثال در ۱۳ آگوست سال ۲۰۲۰، وزیر مهاجرت دانمارک در گفت‌وگو با رسانه‌ها در خصوص یکی از گروه‌های اسلام‌گرای دانمارک گفت: «آن‌ها [حزب التحریر] به دانمارک تعلق ندارند» (Rahmati, 2020, pp. 110-111; Tesfaye, 2020).

با این حال، نگاهی به گسست ذهنی در پروبلماتیک کنونی جامعه دانمارکی، نشان‌دهنده ظهور نسل جدیدی از گفت‌مان/کنش‌ها در سپهر اجتماعی، سیاسی و امنیتی این کشور است. به نظر می‌رسد ذهنیت کنونی نیز در حال تجربه گسستی ذهنی نسبت به دوره ۲۰۲۰-۲۰۰۰ است و جامعه دانمارکی در حال حرکت به سمت «غیرامنیتی‌سازی» جنبش‌های اسلام‌گرا است. ضرورت اصلاحات در این رابطه، سبب شد تا در سال ۲۰۱۷، مجلس قانون جدیدی را به نام «قانون تنظیم جوامع دینی خارج از کلیسای ملی لوتری دانمارک (فولکه کیرکه)»^۷ تصویب کند (Kirkeministeriet, 2017). این قانون چهارچوبی را برای تنظیم جوامع مذهبی خارج از فولکه کیرکه که مایل به تأیید به وسیله دولت هستند، ایجاد کرد. این اقدام نقطه عطف در تاریخ حقوق دانمارک و تاریخ دین در دانمارک است. از نظر تاریخی، تنظیم جوامع مذهبی در خارج از فولکه کیرکه نسبتاً موقت و غیرشفاف بود و به‌طور مداوم با تغییر وزارتخانه‌ها این تأیید صورت نمی‌گرفت. علاوه بر این، یک تمایز قانونی بین جوامع مذهبی «تأییدشده»

(جوامع قدیمی مسیحی و علاوه بر این، جامعه یهودی) و جوامع مذهبی «شناخته شده» (همه جوامع مذهبی ثبت شده بعد از ۱۹۷۰) با تفاوت اندکی در حقوق وجود داشت (Lassen, 2020, p. 138). وضعیت «شناخته شده» برای جماعت‌های مذهبی از اهمیت بسیار زیادی برخوردار بود، چه اینکه علاوه بر وضعیت نمادین آن، می‌توانست مزایای اقتصادی را نیز به دنبال داشته است. این قانون جدید نوید می‌دهد که گامی مهم در جهت «عدای سازی» جامعه دانمارک به عنوان جامعه‌ای متشکل از افراد متعلق به آئین‌های مختلف برداشته شده است. از این پس، تمام جوامع ایمانی خارج از فولکه کیرکه که معیارهای خاصی دارند، ممکن است وضعیتی مشابه جوامع مذهبی «تأیید شده» به دست آورند. جوامع مذهبی موظف نیستند وضعیت یک جامعه مذهبی مورد تأیید را به دست آورند. باین حال معافیت مالیاتی و حق انجام ازدواج‌هایی با اعتبار مدنی، صرفاً به جوامع مذهبی ثبت شده تعلق می‌گیرد و از این رو بخش عمده‌ای از جوامع مذهبی تمایل به دستیابی به این وضعیت را دارند (Lassen, 2020, p. 139).

نتیجه‌گیری

جامعه دانمارک با گسست ذهنیت نسبت به اسلام در یک دوره ۵۰ ساله مواجه بوده است. هر چه به دهه دوم قرن ۲۱ نزدیک می‌شویم، این گسست بحرانی‌تر، غیراجتماعی‌تر و امنیتی‌تر شده است. نگاهی به آمار حملات تروریستی که در دانمارک اتفاق افتاده، نشان می‌دهد که وضعیت امنیتی سازی گروه‌های اسلامی و ایجاد تقابل‌های هویتی، مستقیماً جامعه‌پذیری دانمارکی را زیر سؤال می‌برد. از مجموع ۱۱ حمله تروریستی که در دانمارک اتفاق افتاده، تنها دو حمله مربوط به دوره ۱۹۶۰-۲۰۰۰ است؛ یعنی دوره‌ای که روابط مهاجر - دانمارکی وجود داشته است. بعد از سال ۲۰۰۰ تعداد حملات تروریستی ۹ مورد بوده که این موضوع را می‌توان نتیجه افزایش تنش در تقابل‌های هویتی عنوان کرد؛ یعنی دوره‌ای که گسست عمیقی در روابط مسلمان/ضددانمارکی - دانمارکی غالب شده است. روابط دانمارک با گروه‌های اسلامی و مسلمانان، سوای از روابط دانمارک با سایر فرقه‌های مذهبی، به عنوان یک منازعه «نئوناسیونالیستی - ایدئولوژیک» تفسیر می‌شود. از همان سال‌های نخست که کارگران/مهاجران مسلمان از کشورهایی با تفوق اسلام‌گرایی وارد دانمارک شدند،

دانمارک تصور آن را نمی‌کرد که ۵۰ سال بعد یکی از مباحث بسیار مهم در خصوص هویت «دانمارکی» هویت «اسلامی» شود. برداشتی که مقامات دانمارکی در آن دوره نسبت به اسلام داشتند، ورود شماری از کارگران نیازمند کار بود، اما رابطه بین مهاجران - دانمارک به مرور تبدیل به رابطه بین دو ایدئولوژی شد. یک ایدئولوژی که اصرار دارد هویت، ارزش‌ها و فرهنگ ملی بر اساس آئین مسیحیت بایستی عرضه و معرفی شود و سایر هویت‌ها نقش اقلیت‌ها (با پذیرش محتاطانه چندفرهنگ‌گرایی) را دارد و ایدئولوژی دیگر که معتقد بود که بر اساس شاخص‌ها و مؤلفه‌های تعریف‌کننده هویت خود بایستی از حقوق آموزش، شغل، بازار کار، دانشگاه، ازدواج، مرگ‌ومیر برخوردار باشد. این دوگانه در دانمارک به واسطه سیاست‌های هدفمند دولتمردان به یک پروبلماتیک تبدیل شده و فشارهای زیادی را برای اقلیت مسلمان در پی داشته است. چنان‌که در سطح مناسبات بین‌المللی نیز پیامدهای ناخوشایندی را به نمایش گذاشته است؛ مانند بحران خندک (کاریکاتورها) که می‌توان آن را نقطه عطفی در روابط کشورهای اسلامی و دانمارک دانست. این کشور بعد از این بحران وارد دوره‌ای شد که روند اسلامی‌زدایی و امنیتی کردن پدیده اجتماعی اقلیت مسلمان در آن به صورت بارزی قابل مشاهده است.

یادداشت‌ها

1. Knud Hulemboa
2. Desert Encounter
3. Denmark's Constitution of 1953
4. Ecclesiastical Ministry
5. Aliens (Consolidated) Act of 14 July 2004.
6. Danish People's Party ("Dansk Folkeparti")
7. Trossamfundsloven

کتابنامه

- آرتو، دیوید (۱۴۰۰). سیاست و حکومت در اسکاندیناوی. ترجمه رضا رحمتی، همدان: دانشگاه بوعلی سینا.
- آلتوسر، لوئی (۱۳۹۵). علم و ایدئولوژی. ترجمه مجید مددی، تهران: نیلوفر.
- رحمتی، رضا (۱۳۹۸). «مطالعه تطبیقی تأثیر جهانی شدن بر شهروندان ایرانی و سوئدی»،

- نشریه علمی دانش سیاسی. ۱۱۵ (۱)، ۱۲۴-۱۰۳.
- کاستلز، مانوئل (۱۳۹۹). گسست: بحران لیبرال دموکراسی، ترجمه مجتبی قلی‌پور، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- مرشدی‌زاد، علی و غفاری هنجین، زاهد (۱۳۸۶). «اسلام‌هراسی در اروپا؛ ریشه‌ها و عوامل» ف نشریه علمی دانش سیاسی. ۳ (۲)، ۱۳۹-۱۱۳.
- Betz, HG & Meret, S (2009). Revisiting Lepanto: The Political Mobilization Against Islam in Contemporary Western Europe. *Patterns of Prejudice* 43(3-4), 313-334.
- Gargiulo, Susanne & Dewan, Angela (2019). "Protesters in face veils march against Denmark's new burqa ban". *CNN*. Archived from the original on 2 August 2019. Received 10 November 2019.
- Guild Elspeth & Kees Groenendijk (2016). *Illiberal Liberal States: Immigration*. Citizenship and Integration in the EU, Routledge.
- Hedlund, Stefan (2020). *why Denmark does not welcome immigrants from muslim countries*. Received 31 January 2021, available in <https://www.gisreportsonline.com/opinion-the-danes-know-that-uncontrolled-immigration-would-damage-their-welfare-system,politics,3078.html>
- Heiner, Bielefeldt (2017). *Report of the Special Rapporteur on freedom of religion and belief on his mission to Denmark*. Human Rights Council Thirty-fourth session 27 February-24 March 2017 A/HRC/34/50/Add.1, para. 22-35.
- Howard, Erica (2019). Arguments for and against bans on the wearing of religious symbols. in, *Law and the Wearing of Religious Symbols in Europe*. Routledge, pp. 36-66.
- Jacobsen Brian Arly (2012). "Denmark" in Jørgen S. Nielsen, Jørgen Nielsen, Samim Akgönül *Yearbook of Muslims in Europe*, (4), Boston, BRILL.
- Jensen, Tim (2007). *Islam And Muslims In Denmark, An Introduction*. Universidad de Odense.
- Kirkeministeriet (2017). *Lov om trossamfund uden for folkekirken*. No. 1533, 19 December 2017.
- Kjærgaard, Anja (2017). *Danske moskéer i udvikling*. Aarhus Universitet. Received 30 May 2021 available in: [Cas.au.dk](http://cas.au.dk) (in Danish).
- Larsson, Goran (2009). *Islam in the Nordic and Baltic Countries*. London and New York: Routledge.
- Lassen, E. M. (2020). Limitations to Freedom of Religion or Belief in Denmark. *Religion & Human Rights*, 15(1-2), 134-152.
- Merriam-Webster (2021). *Rupture*. In Merriam-Webster.com dictionary. Received June 6, 2021, from <https://www.merriam-webster.com/dictionary/rupture>
- Ministry for Refugees, Immigrants and Integration Affairs, Facts and Figures, July 2009, 13)
- Nannestad, Peter (2021). *The Danes, Islam and Muslims*. Aarhus Universitet, Denmark.

- Rahmati, Reza (2020). Nordic Normative-security Map: A case study of Islam. *Political Studies of Islamic World*, 9(2), 89-121.
- Rahmati, Reza (2020). Nordic Securitization Model: Transition of Environment from securitizing to Normalizing. *Strategic Studies Quarterly*, 22(86), 123-150.
- Simonsen, J. B. (2004). Islam med danske øjne. *Danskernes syn på islam gennem 1000 år*. København: Akademisk Forlag.
- Simonsen, J. B. (1990). *Islam i Danmark: muslimske institutioner i Danmark, 1970-1989*. Statens Humanistiske Forskningsråd, Aarhus Universitetsforlag.
- Sorensen, Martin Selsoe (2020). *In Copenhagen, Reaction to an Anti-Muslim Event Turns Violent*. April 15, 2019, available in: <https://www.nytimes.com/2019/04/15/world/europe/copenhagen-riots-quran.html>
- Sorensen, Martin Selsoe; Specia, Megan (1 August 2018). *Denmark's Ban on Muslim Face Veil Is Met With Protest*. The New York Times. ISSN 0362-4331. Archived from the original on 10 November 2019. Received 30 May 2021.
- Tesfaye, Mattias (2020). *Minister raser over muslimsk organisation: De er sørgelige og hører ikke hjemme i Danmark*. 12, August, 2020, available in: <https://www.bt.dk/samfund/minister-raser-over-muslimsk-organisation-de-er-soergelige-og-hoerer-ikke-hjemme-i>

